

## جایگاه اخلاق در تربیت اجتماعی از منظر قرآن کریم

حسینعلی جان ثاری<sup>۱</sup>  
سید حسین واعظی<sup>۲</sup>

### چکیده

قرآن کریم، مفهومی از رفتار اجتماعی آمیخته با اخلاق ارائه می‌دهد که شیوه‌های درست زندگی را پیش روی انسان می‌گشاید. پژوهش حاضر با هدف استخراج و تبیین جایگاه اخلاق در تربیت اجتماعی از منظر قرآن کریم بوده که با روش توصیفی همراه با تحلیل محتوی و استفاده از منابع کتابخانه‌ای صورت گرفته است. تربیت اجتماعی همواره مورد توجه مکاتب مختلف بوده و بین مسلمان جایگاهی ارزشمند و شخصیت‌ساز داشته است. یافته‌های پژوهش حاکی است: از منظر قرآن کریم، رفتار اجتماعی با اخلاق همراه بوده و در متن تربیت اجتماعی قرار گرفته است و با اهداف تعادل روحی، تقرب به خداوند، و الامات اعتقادی مانند فطرت، توحید، و شیوه‌های مانند محبت و احترام، کسب می‌گردد به طوری که همواره رشد و کمال انسان را در راستای ارزش‌های اخلاقی قرار داده و سعادت در زندگی را با اخلاق اجتماعی رهنمون و ملزم نموده است.

**کلید واژه‌ها:** قرآن، اخلاق، تربیت اجتماعی، تعلیم و تربیت

اخلاق اگر از چشم انداز قرآنی نگریسته شود، جذبه و دلربایی آن دوچندان خواهد شد. زیرا قرآن آخرین کلام الهی با بشراست و به اقتضای این ویژگی، کامل‌ترین سخن را درباره اخلاق بیان کرده است. فضایل اخلاقی از نگاه قرآن، صرفاً وسیله‌ای برای ساماندهی به رفتار این جهانی آدمی، به غرض نظم و انتظام دادن به زندگی او نیست، بلکه از آن مهم‌تر، چونان مصالح ساختمانی برای پی‌ریزی بنای حیات ابدی او به حساب می‌آید. این نگرش فرجام شناسانه به فضایل و الزام‌های اخلاقی، بر ارج و اهمیت آنها می‌افزاید. برای شناخت درست از نادرست در هر موضوعی به معیار و میزان نیاز است، لذا رجوع به قرآن کریم که حاوی مفاهیم و مضامین بسیاری در هر زمینه، به ویژه اخلاق و خودسازی و هنجارهای رفتاری است، یک معیار و میزان مناسب می‌باشد. «تربیت اجتماعی از دیرباز و در همه جوامع مورد توجه پیامبران الهی، فیلسوفان، اندیشمندان، معلمان و والدین قرار داشته است، بشرط امروز نیز به دلیل رویارویی با بحران هوتیت انسانی و ارزش‌های اخلاقی ناگزیر است به ارزش‌های اخلاقی روحی آورد» (نجارزادگان، ۲۲)

### ۲- بیان مساله

قرآن همواره منبع مهم تحقیق و پژوهش برای اندیشمندان مسلمان بوده و این رهگذر علوم متعددی پایه‌گذاری گردیده و به موجب آن رشد و تعالی بشریت محقق گردیده است. با توجه به تاریخ تحول فکری اسلامی در می‌یابیم که سعی دانشمندان اسلامی همواره معطوف به قرآنی کردن دانش‌هایی بوده است که به اقتضای زمان وارد عرصه‌های فکری جوامع شده‌اند. «دیدگاه مشهور و غالب این است که اساساً وحی دارای سه نوع پیام متمایز است. برخی از آیات ناظر به طبیعت انسان یا جهان هستی، برخی دیگر توصیه کننده تکالیف و قسم سوم متصمن بیان ارزش‌های اخلاقی است. و بر این مبنای است که آیات قرآنی را به سه دسته آیات الاحکام، العقائد و آیات الاحوال و المناسک تقسیم می‌کنند و از طرفی "دو گستره روانشناسی دین"<sup>۱</sup> و "جامعه شناسی دین"<sup>۲</sup> غالباً با روانشناسی دینی<sup>۳</sup> و "جامعه شناسی دینی"<sup>۴</sup> در آمیخته می‌شود که توجه به تمایز معرفتی آنها

در فهم گستره دین پژوهی مهم و اساسی است.» (قراملکی، ۵۰ و ۶۴) و نکته دیگر آنکه در جهان امروز اگرچه انسان از نظر صنعت و تکنولوژی به پیشرفت‌های چشم‌گیری دست یافته، اما به نظر می‌رسد از نظر اخلاقی نه تنها به پیشرفتی نائل نیامده، بلکه از ارزش‌های راستین تهی گشته و در نابسامانی‌ها دست‌وپا می‌زند. حملات شیمیایی در مناطق مختلف جهان، تولید و به کاگیری بمب هسته‌ای، تصویب قانون همجنس‌گرایی در مجالس اروپایی، نمونه‌هایی از دوری بشریت از اخلاق اجتماعی است. و از این روی، بشر امروز به دلیل رویارویی با بحران هویت انسانی و ارزش‌های اجتماعی ناگزیر، به ارزش‌های اخلاقی روی خواهد آورد. قبل از پرداختن به مباحث اصلی، آشنایی با چند اصطلاح ضروری می‌نماید.

### ۳- تعریف مفاهیم واژه‌ها

#### ۳-۱- اخلاق

«واژه اخلاق جمع خُلق و خَلق و در لغت به معنی مفاهیم خوی‌ها، طبیعت باطنی، سرشت درونی، طبع، مروت و خوش‌رفتاری است.» (دهخدا، ۱۰/۱۳۴۱) «برخی از لغتشناسان معتقدند خَلق و خُلق هر دو به یک معناست؛ لکن خَلق به هیئت‌ها و شکل‌ها و صورت‌هایی اختصاص دارد که به وسیله چشم قابل دیدن هستند، برخلاف خُلق، که به خوی و سجایایی اطلاق می‌شود که با بصیرت قابل درک است.» (راغب اصفهانی، ۱/۶۳۳)

#### ۳-۲- تربیت

«تربیت، دگرگون کردن گام به گام و پیوسته هر چیز است تا آن‌گاه که به انجامی که آن را سزد برسد.» (راغب اصفهانی، ۲/۲۹) «نیز به معنی رفع موانع و ایجاد مقتضیات برای شکوفا کردن استعدادهای انسان در جهت کمال مطلق شکوفا می‌باشد» (دلشاد تهرانی، ۲۴)

#### ۳-۳- تربیت اجتماعی

«تربیت اجتماعی بر شناخت و آگاهی فرد از خویشن و موقیت‌ها مبتنی خواهد بود، این‌که چگونه انسان می‌تواند فاعل اجتماعی شود و مطابق با معیارهای معین اخلاقی بیندیشد و عمل کند. تربیت کاری است که این داده‌های نظری را به حیطه عمل می‌کشاند، برنامه، روش و شیوه‌ها

را تعیین کرده و ارتباط آن را با عوامل رشد اخلاقی مطلوب مورد بررسی قرار می‌دهد» (فردیک ای، ۶۲)

#### ۴- الزامات تربیت اجتماعی

الزامات تربیت اجتماعی: مبانی و اعتقاداتی هستند که بدون توجه به آنها، اهداف دست یافتنی نیستند، و شیوه‌های تربیتی نیز دقیقاً موثر واقع نمی‌شوند. در واقع الزامات شامل اعتقاداتی هستند که می‌توانند اهداف را تعیین نموده و شیوه‌های تربیت اجتماعی را ارایه نمایند.

#### ۴- اهداف اخلاقی قرآن در تربیت اجتماعی

##### ۴-۱- تعادل روحی

هدف از تربیت این است که بتوانیم انسانی چند بعدی پرورش دهیم، انسانی که بتواند از احساسات، عواطف، شناخت و ادراکات قوی و لازم برخوردار گردد و بر هوای نفس خویش تسلط یابد و قوای موجود نفس را اعتدال بخشیده و از آن‌ها درست استفاده نماید. هدف از تربیت، متخلف شدن انسان به اخلاق الهی و انجام دستورهای خداوند برای سازندگی روح و روان آدمی است تا با تحقق آن به قرب الهی نائل گردد. «هدف از تربیت در قرآن، افزایش مراتب و درجات قلیی در سایه معرفت الهی است تا شخص شایستگی لازم را برای تقرب به خدا بدست آورد. علاوه بر هدف کلی اهداف جزئی نیز وجود دارند که زمینه‌ساز رسیدن به هدف کلی می‌باشد برای دستیابی به اخلاق قرآنی و سعادت و کمال جاودانه، انسان از مسئولیت‌ها و وظایفی برخوردار است این وظایفی است که فرد در برابر خدا، خود، دیگران، یا نظام خلقت دارد. قرآن می‌فرماید:

**وَكَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطَا لِتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ وَيَكُونُ الرَّسُولُ عَلَيْكُمْ شَهِيدًا وَمَا جَعَلْنَا الْفِئَلَةَ الَّتِي كُنَّتْ عَلَيْهَا إِلَّا لِتَعْلَمَ مَنْ يَتَبَعُ الرَّسُولَ مِمَّنْ يَنْقِلِبُ عَلَى عَقْبِيهِ وَإِنْ كَانَتْ لَكَبِيرَةً إِلَّا عَلَى الَّذِينَ هَدَى اللَّهُ وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيَضِيعَ إِيمَانَكُمْ إِنَّ اللَّهَ بِالنَّاسِ لَرَؤُوفٌ رَّحِيمٌ» (آل‌آل‌الله، ۱۴۳)** «وبدین گونه شما را امتنی میانه قرار دادیم تا بر مردم گواه باشید و پیامبر بر شما گواه باشد و قبله‌ای را که [چندی] بر آن بودی مقرر نکردیم جز برای آنکه کسی را که از پیامبر پیروی می‌کند از آن کس که از عقیده خود

بر می‌گردد بازشناسیم هر چند [این کار] جز بر کسانی که خدا هدایت [شان] کرده سخت گران بود و خدا بر آن نبود که ایمان شما را ضایع گرداند زیرا خدا [نسبت] به مردم دلسوز و مهربان است»

#### ۴-۲- تقرب به خداوند

در بحث اخلاق فردی، برای متخلق شدن به اخلاق الهی و در نتیجه رسیدن به قرب الى الله بحث خودشناسی مطرح می‌باشد. این فهم را قرآن کریم با زیبایی خاص خویش چنین معرفی می‌فرماید: «وَنَفْسٌ وَمَا سَوَّاها فَأَلْهَمَهَا فُجُورَهَا وَتَقْوَاهَا قَدْ أَفْلَحَ مَنْ رَكَّاها وَقَدْ خَابَ مَنْ دَسَّاها» (الشمس، ۱۰-۷) «سوگند به نفس و آن کس که آن را درست کرد. سپس پلیدکاری و پرهیزگاری اش را به آن الهام کردکه هر کس آن را پاک گردانید قطعاً رستگار شد و هر که آلوهاداش ساخت قطعاً در باخت» از این آیات با صراحت معلوم می‌گردد که رستگاری انسان در گرو تزکیه نفس است و «رستگاری» کمال نفس انسانی است؛ از این نظر که موجب تقرب الهی و رها شدن انسان از مشکلات است. اگر ما حکمت و فلسفه خلقت انسان را مورد تحلیل و ارزیابی قرار دهیم با وضوح تمام در خواهیم یافت که، هدف از خلقت جهان و به تعقیب آن خلقت انسان، رساندن انسان به کمال فضیلت و تقرب الهی است که همه انسان‌ها می‌خواهند خود را به آن برسانند. (پاکیزگی فکر، روح و جان انسان، امانت، صداقت، وفاداری، درستگاری و...) مواردی است که موجب تقرب به پروردگار شمرده شده است.

#### ۴-۳- تعامل با دیگران

یکی از ابعاد اخلاقی اجتماعی که اسلام بر آن تاکید ورزیده، توجه به ارتباط با دیگران است. این نکته از آن حیث تاکید شده که انسان موجودی اجتماعی بوده و بدون ارتباط با دیگران نمی‌تواند به زندگی خود ادامه دهد. به عنوان نمونه توجه به ایفای نقش پدر، مادر و فرزندان در تکمیل و بقای یک دیگر توجه به مسؤولیت فرد در مقابل همسایگان، ایتام، مستمندان و... از این قبیل است. قرآن کریم در این خصوص می‌فرماید: «وَاعْبُدُوا اللَّهَ وَلَا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا وَبِذِي الْقُرْبَى وَالْيَتَامَى وَالْمَسَاكِينَ وَالْجَارِ ذِي الْقُرْبَى وَالْجَارِ الْجُنُبِ وَالصَّاحِبِ بِالْجَنْبِ وَابْنِ السَّبِيلِ وَمَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ إِنَّ اللَّهَ لَا يَحِبُّ مَنْ كَانَ مُخْتَالًا فَخُورًا» (النساء، ۳۶) «و خدا را بپرستید! و هیچ چیز را همتای او قرار ندهید! و به پدر و مادر، نیکی کنید؛ همچنین به خویشاوندان، یتیمان، مسکینان، همسایه نزدیک، همسایه دور، کنید» «مبنای این شناخت در تربیت اجتماعی، پذیرش "فطريات" در انسان است." "فطريات" در

دوست و همنشین، و اماندگان در سفر و بردگانی که مالک آن‌ها هستید؛ زیرا خداوند، کسی را که متکبر و فخرفروش است، (و از ادای حقوق دیگران سرباز می‌زنند) دوست نمی‌دارد.»

اهداف اخلاقی تربیت اجتماعی	
تعادل	(البقره، ۱۴۳) (الجمعة، ۲) (آل عمران، ۴۸) (يوسف، ۳۷) (الكهف، ۶۶)
روحی	(البقره، ۲۸۲) (الرحمن، ۲) (البقره، ۲۳۹) (البقره، ۲۵۱)
تقرب به خداوند.	(الشمس، ۷ - ۱۰) (البقره، ۱۲۹) (آل عمران، ۱۶۴) (الجمعة، ۲) (يوسف، ۳۷) (المائدہ، ۴) (البقره، ۳۱) (يوسف، ۶۸) (النجم، ۵) (الطلاق، ۹) (القصص، ۸۳) (الحج، ۴۱) (الشمس، ۱۵) (الرعد، ۲۲)
تعامل با دیگران	(النساء، ۳۶) (البقره، ۲۵۱) (الكهف، ۶۶) (الانعام، ۹۱) (النمل، ۱۶) (البقره، ۱۰۲) (يوسف، ۶) (البقره، ۳۱) (البقره، ۲۸۲) (الانیاء، ۸)

#### ۵- الزامات اخلاقی قرآن در تربیت اجتماعی

##### ۱- شناخت فطری

تفاوت‌های پایه‌ای در بنیاد اخلاق میان آرای فیلسوفان و اندیشمندان علم اخلاق از یک سو و نگاه قرآن از سوی دیگر، در دو اصل مهم خلاصه می‌گردد: یکی رویکرد به جهان هستی و دیگری در نگاه به جایگاه انسان در هستی؛ به این معنا که فیلسوفان، واقعیت هستی را پذیرفته و انکار ناشدنی دانسته و به دنبال شناسایی آن برآمده‌اند تا بر اثر معرفت‌شناسی هستی، بهترین و برترین را برگزینند. در آیات قرآن انسان دارای جایگاهی بس والا و متعالی است، به خاطر این‌که انسان توسط خدا برگزیده شده و هدف از ارسال رسول هدایت انسان و رساندن او به جایگاه خلیفه الهی است: «وَاللَّهُ أَخْرَجَكُمْ مِّنْ بَطْوَنِ أُمَّهَاتِكُمْ لَا تَلَمَوْنَ شَيْئًا وَجَعَلَ لَكُمُ الْسَّمْعَ وَالْأَبْصَارَ وَالْأَفْئِدَةَ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ» (النحل، ۷۸) «خدا شما را از شکم مادراتتان در حالی که چیزی نمی‌دانستید بیرون آورد و برای شما گوش و چشمها و دلها قرار داد باشد که سپاسگزاری کنید» «مبنای این شناخت در تربیت اجتماعی، پذیرش "فطريات" در انسان است." "فطريات" در

لغت به معنی "خلق"، "ایجاد" و "سرشت و طبیعت" آمده است. فطرت در اصطلاح، به گونه‌ای خاص از آفرینش اطلاق می‌شود که مخصوص انسان و غیر تقليدی است. بدین صورت که نیازمند تمرین و استاد نبوده، در همه زمان‌ها، مکان‌ها و برای همه ثابت می‌باشد؛ قابل شدت و ضعف است و مبدأ همه فضایل انسانی است اگر انسان دارای یک سلسله فطريات باشد، قطعاً تربیت او باید با درنظر گرفتن همان فطريات صورت گیرد» (مطهری، ۲۲-۱۸) (فطرت، خلاقت خاص انسان است که براساس آن به خود آگاه است و گرایش به او دارد همین فطرت است که او را به خدا و صفاتی که از او ناشی می‌شود راهنمایی می‌کند. افعال پسندیده و اخلاقی انسان‌ها، ناشی از همین خصوصیت آدمی است. بنابراین انسان راه معینی در پیش می‌گیرد تا نقایص را رفع کند و رو به کمال دارد که غایتی خاص را دنبال می‌کند. بر این اساس، اخلاق ریشه در ویژگی‌های فطري انسان دارد و به کمک آن می‌تواند فضیلت‌ها را تشخیص دهد» (طباطبایی، ۲۸۷/۳) **﴿فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلّٰهِ الَّٰهِ أَكْبَرُ حَنِيفًا فِطْرَةَ اللَّٰهِ الَّٰهِ أَكْبَرُ فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا﴾** (الروم، ۳۰) «پس روی خود را با گرایش تمام به حق به سوی این دین کن با همان سرشتی که خدا مردم را بر آن سرشته است...»

## ۵- شناخت خداوند

اهمیت خداشناسی به دلیل آثار آن در حیات فردی و اجتماعی انسان‌ها مورد توجه است. اعتقاد انسان به خدا و برداشتی که از اوصاف الهی دارد، در شئون مختلف زندگی او، انگیزه‌ها، نیت‌ها، داوری‌ها و اعمال او مؤثر بوده و شخصیت ویژه‌ای برای فرد می‌سازد. **«قُلْ هُوَ اللَّٰهُ أَحَدٌ»** (اخلاص، ۱-۵) «بگو اوست خدای یگانه» انسانی که معتقد است کارگردان اصلی جهان تنها خداوند است و نیازمندی‌های او، تنها با تدبیر خداوند، سر و سامان خواهد گرفت، دست نیاز به سوی دیگران دراز نخواهد کرد؛ در مقابل مشکلات بی‌تابی و کم‌صبری نخواهد داشت؛ زیرا او می‌داند که خداوند تنها رب برای او نیست، بلکه رب همه جهان بوده و امور را به بهترین شیوه هدایت خواهد کرد. «در اسلام اصل توحید، طهارت کبری معرفی شده و اگر کسی به خدا شرک بورزد، طهارت وجودی خویش را ازدست داده است» (باقری، ۱/۷۸)

## ۵- قیامت

انسان معتقد به معاد، دنیا را سرای فانی، محدود و گذرا و آخرت را سرای باقی و همیشه جاویدان می‌بیند. در آیات متعددی از قرآن کریم تاکید شده است که همه به سوی او بازگشت

می‌کنید و به حساب شما رسیدگی خواهد شد. درواقع انسان مؤمن می‌داند همه چیز، همه جا و همه وقت برای هر کاری که انجام می‌دهد باید پاسخ‌گو باشد. لذا به دنبال کیفیت بخشی به رفتار خویش و کسب رضایت‌مندی بیشتری است. صفاتی مانند: ایثار، صداقت، گذشت، امانت‌داری، تواضع، محبت به دیگران و امثال اینها، در وجود او شکل می‌گیرد و پرورش می‌یابد. آگاهی از فلسفه قیامت و هدف از برپایی آن معنا و مفهوم درستی از زندگی و مرگ نیز ارائه می‌دهد و شیوه‌های درست زندگی را در پیش روی انسان می‌گشاید. توجه به قیامت اساسی‌ترین موضوع برای دست‌یابی انسان به اخلاق پسندیده و رفتاری تنظیم شده است. قیامت، نوعی تکریم و اكمال و اتمام رحمت الهی بر مردم است، در حقیقت جزا و کیفر و پاداش بندگان، از اصلی‌ترین و اساسی‌ترین علل رعایت مسایل اخلاقی در جامعه است که در آیات ۲۶ و ۲۸ سوره ص و ۲۶ سوره المعارض و بسیاری از آیات دیگر قرآن، بر آن تأکید شده است.

## ۵- نبوت

پیامبران الهی، انسان‌های برگزیده و ممتازی بودند که به خاطر اخلاق و خصائص عالی انسانی و روحیه پاک بشری از جانب خداوند برای هدایت و ارشاد انسان‌ها برگزیده شده‌اند. وجود آن‌ها مجمع کلیه صفات عالی بشری و قلبشان سرشار از عشق به خدا و توحید و یگانه‌پرستی بود. خداوند، آن‌ها را برگزید و به آن‌ها قلبی سرشار از صبر و برباری و خلق عظیم عطا نمود تا بتوانند، این راه سخت و پرمشقت، یعنی هدایت بشر را تحمل نمایند. انبیاء (ع) از مقام عصمت برخوردار بودند. عصمت به معنی دوری از هر گونه خطأ و گناه است. آن‌ها سعی می‌کردند انسان‌ها را از گناه و خطأ دور نموده، به اطاعت از خدا و ترک گناه راهنمایی کنند. **«...أَنِ اتَّقُّعْ مِلَّةً إِبْرَاهِيمَ حَنِيفًا...»** (التحل، ۱۲۳) خداوند گفتار، اعمال و رفتار انبیاء را الگو و سرمشق رفتاری همه انسان‌ها قرار داده است، **«لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّٰهِ أَسْوَةٌ حَسَنَةٌ...»** (الاحزاب، ۲۱)

چرا که آن‌ها تنها برای راهنمایی و سعادت انسان‌ها و رضایت خداوند قدم بر می‌داشته‌ند و تمامی لحظه‌های زندگی خود را در راه بندگی خداوند و رسالت عظیمانشان صرف نمودند.

## ۶- شیوه‌های اخلاقی تربیت اجتماعی در قرآن کریم

### ۶-۱- محبت و احترام

مهم‌ترین روش تربیت اخلاقی، روش محبت و احترام برای رضای خداوند است. چون بنای اسلام بر محبت عبودی است. یعنی ترجیح دادن جانب خدا و رضای خدا را بر رضای خود ترجیح دادن؛ از حق خود به خاطر حق خدا گذشتن و از خشم خود به خاطر خشم خدا صرف نظر کردن؛ قلب را از تعلق به هر چه غیر خداست پاک کردن، از تمام زینت‌ها و زخارف دنیا حتی از آرزوهای خود گذشتن و قلب را منحصراً برای خدا فارغ کردن است. یعنی محبت به خدا قلب فرد را مرحله به مرحله تسخیر می‌کند تا جایی که این فرد تنها کاری را می‌کند که خداوند دوست دارد و آن چیزی را ترک می‌کند که او نمی‌پسندد. به رضای خدا راضی و به خشم او خشمگین می‌شود» (طباطبایی، ۱۶۰ و ۱۶۱) «عشق و محبت، محرك شکستن حصار خودپرستی است. همین که عاشق از "خود" پا بیرون نهاد، روح او توسعه می‌یابد و صفات رشت اخلاقی را کنار می‌نهد. عشق و محبت، تبلیغ را چالاک می‌کند، حتی از کودن تیزهوش می‌سازد، از بخیل بخشندۀ و از کم طاقت، شکیبا می‌سازد.» (مطهری، ۴۲ - ۴۶) راه‌های کسب حبّ خداوند در قرآن بیان شده‌است؛ برخی از آن‌ها عبارت‌اند: تفکر و شناخت خداوند، ذکر دائم و یادآوری نعمت‌ها و مسئولیت انسان در برابر خداوند.» (طباطبایی، ۱۳۶/۱۶) قرآن با ندای رسا اعلام می‌کند که: «... وَلِكِنَ اللَّهَ حَبَّبَ إِلَيْكُمُ الْإِيمَانَ وَرَزَّيْنَاهُ فِي قُلُوبِكُمْ وَكَرَّهَ إِلَيْكُمُ الْكُفْرُ وَالْفُسُوقَ وَالْعِصْيَانَ أُولَئِكَ هُمُ الرَّاَشِدُونَ» (الحجرات، ۷) «خدا در نهاد بشر، میل و رغبت و علاقه به ایمان و عشق به خدای جهان را نهاده و آن را محبوب او ساخته و کفر و نافرمانی و گناه را منفور گردانیده است.» خداوند نه تنها حس خداشناسی را به ما مرحومت فرموده و سرشت ما را با اعتقاد به مبدأ آمیخته است، بلکه دل‌های ما را به آن دسته از خوبی‌ها نیز که بدون معلم و مربی، از درون خویش به آن‌ها الهام می‌شویم، آراسته است، و از چنین معنایی گسترهای می‌توان به فطری بودن ایمان به خدا و انزجار از کفر، فسق و عصيان پی برد؛ بنابراین، مقصود از محبوب گردانیدن ایمان، تنها خداشناسی نیست، بلکه علاوه بر آن، سرشت ما با یک سلسله سجایای اخلاقی بهم آمیخته است و روح ما به طور ناخودآگاه، بهسوی آن‌ها کشیده می‌شود. از طرفی نیاز انسان به محترم شمرده شدن، این آگاهی را به او می‌دهد که چگونه با دیگران زیست نماید. بیان قرآن کریم، حاکی از این

جدول شماره ۱ مراجع پیشتر مربوط به الزامات

الزامات اخلاقی تربیت اجتماعی	قيامت	توحید:	شناخت فطری
(ص، ۲۶-۲۸) (البقره، ۱۱۳) (آل عمران، ۷۷) (آل عمران، ۱۸۵) (النساء، ۱۰۹) (الاعراف، ۳۲) (طه، ۱۰۰) (القصص، ۴۱) (العنکبوت، ۱۲) (الجاثیه، ۲۶) (المتحن، ۳) (فصلت، ۴۰) (الاحقاف، ۵) (فاطر، ۱۴)			
(البقره، ۲۴۷) (آل عمران، ۷۹) (الانعام، ۸۹) (الجاثیه، ۱۶) (النساء، ۱۵۵) (البقره، ۹۱) (البقره، ۱۷۷) (الاحزاب، ۴۵) (الاحزاب، ۵۳) (المتحن، ۱۲) (الحجرات، ۲) (الاحزاب، ۶) (آل عمران، ۶۸)	نبوت		

نیازاساسی انسان به اکرام در عالم وجود است: «**قَيْلَ ادْخُلِ الْجَنَّةَ قَالَ يَا لَيْتَ قَوْمِيْ يَعْلَمُونَ, بِمَا غَفَرَ لِي رَبِّيْ وَجَعَلَنِي مِنَ الْمُكْرِمِينَ**» (یس، ۲۶ - ۲۷) «ای کاش قوم من می دانستند که پروردگارم مرا آمرزیده و مورد احترام قرار داده است»

## ۶-۲- موعظه و نصیحت

«موقعه یعنی کارهای نیک به گونه ای تذکر داده شود که قلب شنونده از شنیدن بیان آن رقت پیدا کند و در نتیجه تسلیم شود.» (طباطبایی، ۱/۳۷۳) موقعه و نصیحت باید با توجه به سه نکته انجام شود: اولاً: این که شفقت و خیراندیشی موقعه گر باید در موقعه اش نمودار باشد. ثانیاً: زبان موقعه باید نرم باشد تا لجاجت را مهار سازد. ثالثاً: پند در درجه نخست باید بر کنار از حضور جمع صورت پذیرد.» (باقری، ۲۱۶/۱) قرآن کریم نصایح لقمان به پرسش را بیان می کند و سپس او را دعوت به عمل می کند. «**وَ هُوَ يَعِظُهُ يَا بُنَى لَا تُشْرِكُ بِاللَّهِ إِنَّ الشَّرْكَ لَظُلْمٌ عَظِيمٌ**» (لقمان، ۱۳) روش لقمان در نصیحت فرزندش، بیان توحید و معاد همراه با محبت است، خطاب عاطفی «یا بُنَى! یعنی! پسرکم!» برای برانگیختن احساسات و ترغیب به پذیرش است. (طباطبایی، ۲۱۷/۱۶) هم چنین قرآن کریم از زبان حضرت نوح (ع) بیان می کند: «**يَا قَوْمَ إِنِّي لَكُمْ نَذِيرٌ مُّبِينٌ**» (نوح، ۲) «ای قوم! من برای شما یمدهنده آشکاری هستم» بنابراین، درگیر کردن احساسات فرد برای رجوع به خویشن، می تواند در پذیرش نصیحت جهت اصلاح، مؤثر واقع شود و این انگیزه ای مهم برای کسب فضایل و ترک ردایل است. «**فَرَجَعوا إِلَى أَنفُسِهِمْ فَقَالُوا إِنَّكُمْ أَنْتُمُ الظَّالِمُونَ, ثُمَّ نُكْسُوا عَلَى رُؤُوسِهِمْ لَقَدْ عِلِّمْتَ مَا هَوْلَاءِ يَنْطِقُونَ**» (الأنبياء، ۶۴ - ۶۵) پس در این روش، محور قرار دادن توحید و قیامت، تذکر به این حقیقت مهم است که باید با محبت و برانگیختن احساسات همراه باشد.

## ۶-۳- الگوها و امثال

یکی از روش های موثر در تربیت اجتماعی، روش الگویی است، انسان به طور طبیعی تحت تاثیر افکار، عقاید، گفتار، رفتار و حرکات دیگران، به ویژه پدر و مادر و مریان قرار می گیرد و براساس آن شخصیت، رفتار و اعمال خود را شکل می دهد. به این گونه افراد که مورد توجه دیگران قرار می گیرند الگو گفته می شوند، مری باید حالات مطلوب متربی را که عملاً در وجود کسی

آشکار شده، به او نشان دهد و البته نخست سزاوار است که در وجود خود مربی، اسوه نیکویی برای متربی باشد. اسوه سازی در درجه اول و به طور اساسی در شرایط واقعی اجتماعی مورد نظر است، اما حاصل آن است که شخصیت های تاریخی نیز الگوی عمل به شمار می آیند» (باقری، ۱۴/۱) خداوند در قرآن کریم الگوهای کاملی به انسان معرفی نموده و بر پیروی از آنان تأکید می کند: «**لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أَسْوَةُ حَسَنَةٍ لِمَنْ كَانَ يَرْجُو اللَّهَ وَالْيَوْمَ الآخِرَ وَدَكَرَ اللَّهَ كَثِيرًا**» (الأحزاب، ۲۱)؛ «قرآن کریم مثل معلمی است که کلیات درس را در مختصرترین جملات بیان می کند سپس شاگردان را به عمل به آن امر می کند. بعد اعمال آنها را می بیند؛ صحیح و فاسد آن را اصلاح می کند؛ نقص ها و کمبودها را با موقعه، مثال، داستان، وعده به پاداش و جزا رفع می کند. تمامی داستان ها و مثال های قرآن حول محور توحید و قیامت، افراد را تربیت می کند. ویژگی داستان ها و مثال های قرآن برای تربیت اجتماعی انسان ها می باشد. این که خداوند داستان های انبیا را بیان می کند، عبادت ها، دعاها و طرز معاشرتشان را با مردم مثال می زند، در واقع خود نوعی تربیت عملی است با ذکر جزئیات. آنچه در تمام آنها محور اصلی بحث قرآن است، هدایت توحیدی انبیاست و این اعتقاد درونی آنها به توحید و قیامت است که در اعمال آنها بروز کرده است» (طباطبایی، ۱۸/۴) قرآن کریم در استفاده از شیوه الگو سازی، دست کم دو نکته مهم تربیتی را مورد توجه قرار داده است. نخست: آن که چهره های محبوب را گاه به طور کلی و با عنوانی عام معروفی کرده است؛ از جمله: توابین، پاکان (متطهیرین)، پرهیزگاران (متقین)، صالحان، صابران، محسینین (نیکوکاران) و مجاهدان؛ گاه نیز به طور خاص و به اسم، در مورد پیامبران و غیر آنان، از ایشان یاد نموده است. اما چهره های منفور و مطرود از نظر قرآن به طور عمده، به جز در موارد استثنایی، مثل ابولهب، با توصیف عنوانین کلی آنان، مثل تجاوزگران (معتدلین)، اسراف کنندگان (مسرفین)، خود پسندان (متکبرین)، کافران، ستمگران (ظالمین) و منافقان بیان شده اند. دوم: انتخاب گری در الگوهای است. قرآن با طرح چهره های محبوب و منفور در کنار هم، جامعه انسانی را به گزینش آگاهانه الگوهای مورد نظر خویش دعوت می کند، حتی در مورد پدران و گذشتگان نیز هشدار می دهد که بدون آگاهی با پی روی کورکرانه از آنان زندگی خود را تباہ نکنند. گفتند: «**قَالَ مُشْرِفُوهَا إِنَّا وَجَدْنَا آبَاءَنَا عَلَى أُمَّةٍ وَإِنَّا عَلَى آثَارِهِمْ مُّقْتَدُونَ، قَالَ أَوْلَوْ جِئْتُكُمْ بِأَهْدَى مِمَّا وَجَدْتُمْ عَلَيْهِ آبَاءَكُمْ...**» (الزخرف، ۲۳ - ۲۴) «ما پدران خود را بر آینینی یافته ایم و ما هم از ایشان پی روی می کنیم. گفت: هر چند هدایت کننده تراز

آن‌چه پدران خود را بر آن یافته‌اید برای شما بیاورم..» «این مودبانه ترین تعییری است که می‌توان در مقابل قومی لجوچ و مغور بیان کرد که عواطف آنها جریحه دار نشود» (مکارم شیرازی، ۲۱) (۴۰)

#### ۶-۴- پرسش و پاسخ

قرآن کریم در راه پرورش نیروی معرفت و تفکر، برای کامل شدن شناخت افراد و رسیدن به عبودیت از روش پرسش و پاسخ استفاده کرده است. در این روش، القای اطلاعات، همراه با تفکر حول محور مورد نظر صورت می‌گیرد. از این روی، ماندگاری اثر آن بیشتر خواهد بود: **أَلْمَ يَأْنِ لِلَّذِينَ آمَنُوا أَنْ تَخْشَعَ قُلُوبُهُمْ لِذِكْرِ اللَّهِ** (الحدید، ۱۶) «آیا وقت آن نرسیده است که دل‌های مؤمنان در برابر ذکر خدا خاشع گردد؟» (یکی از شیوه‌های پرورش استعدادها، مطرح کردن موضوع مورد نظر در قالب پرسش است. با اجرای ماهرانه این روش، به جای تعدادی باساده‌های سطحی، صاحب‌نظرانی متوجه تربیت می‌شوند که اهل معرفت‌اند» (جعفری، ۱۰۲ و ۱۰۳)

#### ۶-۵- تشویق و تنبیه

تشویق در اصطلاح عبارت است از «ارائه یک محرك مطلوب (از نظر متربی) پس از انجام رفتار مطلوب، به منظور افزایش، تکرار و ثبت آن عمل و رفتار» تنبیه در اصطلاح یعنی «ارائه یک محرك آزاردهنده (ناراحت‌کننده) به یک ارگانیزم است که نتیجه آن کاهش قدرت فراوانی پاسخ‌هایی است که پیش از تنبیه انجام شده است» (سیف، ۱۶۷ و ۱۶۶) تشویق و تنبیه دو ابزاری است که برای ضمانت اجرای تربیت اجتماعی مورد نیاز است. پاداش و کیفر و وعده و عید دینی، بر همین روش استوار است. اسلام هر دو شیوه را در چارچوب خاص خود می‌پذیرد، زیرا نیکی و بدی را یکسان نمی‌بیند و به نیکوکار و بدکدار، یکسان پاداش نمی‌دهد. تشویق و تنبیه در قرآن کریم از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. حدود ۲۰۰ آیه درباره موضوع تشویق و حدود ۵۰۰ آیه به عامل تنبیه اشاره دارد. قرآن کریم با توجه به رعایت مراتب گوناگون پاداش و کیفر از عوامل مادی و غیر مادی، عاطفی و غیر عاطفی برای تشویق و تنبیه استفاده کرده است: **مَنْ عَمِلَ سَيِّئَةً فَلَا يُجْرِي إِلَّا مِثْلَهَا وَمَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَى وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَأُولَئِكَ بُدْخُلُونَ الْجَنَّةَ يَرَزَقُونَ فِيهَا بِغَيْرِ حِسَابٍ** (غافر، ۴۰) «هر کس بدی کند، جز بماند

آن کیفر داده نمی‌شود؛ ولی هر کس کار شایسته‌ای انجام دهد -خواه مرد یا زن- در حالی که مؤمن باشد آن‌ها وارد بهشت می‌شوند و در آن روزی بی حسابی به آن‌ها داده خواهد شد» نیز فرموده است: **وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَئِكَ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ** (البقره، ۸۲) «و آن‌ها که ایمان آورده، و کارهای شایسته انجام داده‌اند، آنان اهل بهشتند؛ و همیشه در آن خواهند ماند»

#### ۶-۶- احسان و اتفاق

**وَأَنْفَقُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا تُلْقُوا بِأَيْدِيكُمْ إِلَى التَّهْلِكَةِ وَأَحْسِنُوا إِنَّ اللَّهَ يَحِبُّ الْمُحْسِنِينَ** (البقره، ۱۹۵) «در راه خدا، اتفاق کیدا و (با ترك اتفاق) خود را به دست خود، به هلاکت نیفکنید! و نیکی کنید! که خداوند، نیکوکاران را دوست می‌دارد» نیز فرموده است: **لَا تَعْبُدُونَ إِلَيْهِ اللَّهُ وَبِالْوَالِدِينِ إِحْسَانًا وَذِي الْقُرْبَى وَالْيَتَامَى وَالْمَسَاكِينِ** (البقره، ۸۳) «جز خداوند یگانه را پرستش نکنید؛ و به پدر و مادر و نزدیکان و یتیمان و بینوایان نیکی کنید» «دراین جا مراتب احسان و نیکوکاری را از اهم به مهم ذکر می‌کند، پس چون وجود انسان متعلق به پدر و مادرش است لذا مهم‌ترین موارد نیکوکاری، نیکی به آنان است سپس از صله رحم صحبت می‌کند و یتیمان، چون یتیمان مستحق تربیت افراد هستند از جهت نیکوکاری و احسان بخاطر کوچکی سن و سالشان و آنانکه کسی را ندارند که نسبت به امور آن‌ها قیام کند.» (حسینی نسب، ۳۳۱/۱) همچنین در آیه‌ای دیگر می‌فرماید: **إِنْ أَحْسَنْتُمْ أَحْسَنْتُمْ لِأَنفُسِكُمْ**؛ (الاسراء، ۷) «اگر نیکی کنید، به خودتان نیکی می‌کنید؛» یعنی نیکی و احسانی که انسان به برادران دینی و همنوعان خود می‌کند، در حقیقت بازگشتش به خود انسان است؛ زیرا فرد نیکوکار با احسان و نیکوکاری، شخصیت خود را کامل می‌گرداند و در تحقق تکامل وجودی خویش می‌کوشد. اگر انجام اعمال پسندیده و نیک، انسان را از خسران رهایی می‌بخشد و مصداق انسان پیروز و سعادت‌مند می‌شود، به این معنا است که انسان در یک فرآیندی خود را از نقص به کمال می‌رساند. احسان و نیکی به مردم از جمله ابزاری است که نزدیکی به خدا را سرعت می‌بخشد، مانع نزول بلا و موجب برطرف شدن سختی‌ها و مشکلات می‌شود، و از همه مهم‌تر محبوبیت در پیشگاه خداوند متعال را که منشأ رحمت‌های بی‌کران او است به ارungan می‌آورد.

## ۷- شیوه های ضمنی تربیت اجتماعی

علاوه بر شیوه های که اشاره شد از روش های دیگری نیز می توان بهره گرفت از جمله شیوه های: الف: امر به معروف و نهی از منکر (آل عمران، ۱۱۰) ب: آزمون ها (النساء، ۷۹، الانعام، ۱۰۴ - البقره، ۱۵۵ و ۱۵۶) ج: تفکر و مطالعه (سیا، ۴۶ - الزمل، ۱۲۰)

### شیوه های اخلاقی تربیت اجتماعی در قرآن

(الحجرات، ۷) (الاسراء، ۲۳) (مجادله، ۲) (النساء، ۷۳)	محبت و احترام
(المائدہ، ۸۲) (الروم، ۲۱) (الممتحنه، ۱) (الممتحنه، ۷)	
(الاسراء، ۷۳) (الزخرف، ۶۷) (الاسراء، ۷۰) (الفجر، ۱۷)	
(الحجرات، ۱۳) (العبس، ۱۳) (یوسف، ۲۱)	
(لقمان، ۱۳) (الشعراء، ۱۳۶) (هود، ۴۶) (سیا، ۴۶) (الاعراف، ۱۶۴)	موعظه و نصیحت
(البقره، ۲۳۱) (النساء، ۵۸) (النحل، ۹۰) (النور، ۱۷) (لقمان، ۱۳)	
(النساء، ۶۳) (النساء، ۳۴) (المجادله، ۳) (البقره، ۲۲۲) (الطلاق، ۲)	
(النساء، ۶۶) (الشعراء، ۱۳۶) (الاعراف، ۱۴۵) (هود، ۱۲۰)	
(النحل، ۱۲۵)	
(الزخرف، ۲۳ - ۲۴) (الاحزاب، ۲۱) (الممتحنه، ۴) (الممتحنه، ۶)	الگوها و امثال
(ابراهیم، ۲۵) (النور، ۳۵) (الحشر، ۲۱) (العنکبوت، ۴۳)	
(الاسراء، ۴۸) (الزمر، ۲۹) (الزخرف، ۵۹)	
(الحیدد، ۱۶) (الکهف، ۷۶) (التوبه، ۶۵) (العنکبوت، ۶۳)	پرسش و پاسخ
(المائدہ، ۱۰۲) (هود، ۴۷) (الاحزاب، ۶۲) (الکهف، ۷۰)	
(البقره، ۲۱۵) (المائدہ، ۴) (الزخرف، ۴۵) (المائدہ، ۱۰۱)	
(الاعراف، ۶)	
(الغافر، ۴۰) (النساء، ۴۰) (البقره، ۱۱۲) (الشوری، ۴۰) (النحل، ۹۷)	تشویق و تنبیه:
الزمر، ۳۴) (الاحقاف، ۱۲) (الزمر، ۱۰) (فصلت، ۵۰) (فصلت، ۱۷)	
(الشوری، ۴۲) (الاحزاب، ۵۷) (القمر، ۳۰) (الشوری، ۲۳)	

احسان و انفاق:	(الحیدد، ۱۰) (البقره، ۲۴۵) (هود، ۳) (الحیدد، ۱۱) (آل عمران، ۱۲۰)
	(صفات، ۱۱۰) (الزمر، ۳۴) (الاحقاف، ۱۲) (النساء، ۸۵)
	(الشوری، ۲۳) (الانعام، ۱۵۲) (هود، ۱۱۴) (الانبیاء، ۱۰۱) (الزمر، ۱۰)
	(القصص، ۷۷) (البقره، ۸۳) (الحیدد، ۷) (البقره، ۲۶۷)
	(الشوری، ۳۸) (الحج، ۳۵) (البقره، ۲۱۹) (البقره، ۲۶۲) (التوبه، ۵۴)
	(البقره، ۱۹۵) (النحل، ۷۵)

### نتایج مقاله

۱) اخلاق از دیرباز مورد توجه مکاتب مختلف و سایر ملل بوده است. اگر چه بسیاری از مکاتب بدون توجه به تمایلات درونی افعال اخلاقی انسان، شاخه های متعددی از اخلاق را ارائه نموده اند، گرایش های اخلاقی و فضیلت خواهی از امور فطری انسان هستند و آن چه در اخلاق فطری مورد نظر است گرایش های یکسان انسان ها است. عوامل دیگری مانند دین، جامعه، محیط و موقعیت های خاص می تواند خلقتی را برای انسان ایجاد نماید. انسان به طور طبیعی تحت تاثیر افکار، عقاید، گفتار، و رفتارهایی است که شخصیت او را شکل می دهد. و علاوه بر آن وجود اسوه و الگو برای تحقق فضیلت اخلاقی در انسان امری ضروری است، لذا قرآن وجود پیامبر (ص) را به عنوان اسوه و الگو معرفی می کند. ۲) اهداف اخلاقی تربیت اجتماعی، زمینه هایی هستند که ما را برای درک رفتار اخلاقی یاری می کنند و عبارتند از: تعادل روحی و روانی، خود شناسی و تقرب به خداوند و تعامل صحیح با دیگران. اهداف، چراغ راه و راهنمای رسیدن به قله ها و ایده های انسانی است و الزاماتی دارند که رعایت آنها ضروری است. ۳) شناخت فطری، توحید، قیامت، نبوت، الزامات اخلاقی تربیت اجتماعی و زیر بنای اعتقاداتی هستند که بدون توجه به آنها، اهداف دست یافتنی نیستند و نتایج تربیتی مطلوب تحقق نمی یابند. در واقع الزامات شامل مجموعه اعتقاداتی است که می توانند تضمین کننده تربیت اجتماعی صحیح باشند. ۴) شیوه های تربیت اجتماعی قرآن، برای رسیدن به اهداف عالیه انسان برنامه ریزی شده است و بارز ترین آنها، عبارتند از: محبت، احترام، موعظه و نصیحت، و.... شیوه های اخلاقی انسان را به مقصود می رسانند، راه ها را تسهیل نموده و برای رسیدن به موفقیت برنامه ریزی می نمایند.

## کتابشناسی

۱- قرآن کریم

۲- باقری، خسرو، نگاهی دوباره به تربیت اسلامی، ج ۱، چاپ نوزدهم، تهران: مدرسه، ۱۳۹۰ ش.

۳- پالمر، مایکل، مسائل اخلاقی، ترجمه علیرضا آل بویه، قم: انتشارات پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۹۹۵ م.<sup>۱</sup>

۴- جعفری، محمد تقی، بررسی و تقدیم افکار راسل، تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۷۸ ش.

۵- حسینی نسب، داوود، اصول حاکم بر روش تشویق و تبیه در تربیت اخلاقی، مجله راه تربیت، ۱۳۸۵ ش.

۶- دلشاد تهرانی، مصطفی، سیری در تربیت اسلامی، تهران، مؤسسه نشر و تحقیقات ذکر، ۱۳۷۷ ش.

۷- دهخدا، علی اکبر، لغت نامه دهخدا، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۵۷ ش.

۸- راغب اصفهانی، المفردات فی غریب القرآن، بیروت، دارالعلوم، بیتا، ۱۴۰۴ ق.

۹- سیف، علی اکبر، رفار درمانی و روان درمانی، انتشارات دوران، ۱۳۸۷ ش.

۱۰- طباطبائی، محمد حسین، تفسیر المیزان، ترجمه: محمد باقر موسوی همدانی، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۶۳ ش.

۱۱- عسکری، مرتضی، دو مکتب در اسلام، ترجمه عطاء محمد سرداری، نشر: تهران بپیاد بعثت، ۱۴۱۶ ق.

۱۲- غفاری، ابوالفضل، دوره کرد معاصر در تربیت اخلاقی، تهران، انتشارات جهاد دانشگاهی، ۱۳۸۵ ش.

۱۳- فردیک ای، الرود، فلسفه های معاصر تربیت اخلاقی، ترجمه حسین کارآمد مجله معرفت، شماره ۶۲، ۱۳۸۱ ش.

۱۴- قاملکی، فرامرز، اخلاق حرفه ای، ج ۳، تهران: انتشارات مجرون، ۱۳۸۵ ش.

۱۵- مارکوس جی، سینگر، تعمیم در اخلاق، از فیلسوفان اخلاق معاصر، مقاله ای که در دیسکت نوری<sup>۲</sup> (نشر یافته است، ۱۹۷۱ م.

۱۶- مصباح یزدی، محمد تقی، بررسی و تقدیم مکاتب اخلاقی، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۷۴ ش.

۱۷- مطهری، مرتضی، مجموعه آثار، جلد ۲، چاپ پنجم، تهران، انتشارات صدرا، ۱۳۷۵ ش.

۱۸- همو، فطرت، تهران، انتشارات صدرا، چاپ بیست، ۱۳۸۸ ش.

۱۹- مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، ج ۲۱، چاپ چهاردهم، تهران: انتشارات دارالکتب اسلامی، ۱۳۷۶ ش.

۲۰- نجارزادگان، فتح الله، رهیافتی بر اخلاق و تربیت اسلامی، قم: نشر معارف، ۱۳۸۸ ش.

۲۱- نراقی، ملامهدی، جامع السعاده، ترجمه: کریم فیضی، ج ۱، چاپ اول، انتشارات قائم محمد، ۱۳۸۵ ش.

۲۲- ویلیامز، برنارد، فلسفه اخلاق، ترجمه زهرا جلالی، قم: دفتر نشر معارف، ۱۳۸۳ ش.